

## جهانی شدن مدیریت در نظامهای آموزشی

فریبا کریمی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

### چکیده

هزاره سوم پدید آورنده مناسبات جدیدی است که همراهی با آن در گرو تربیت افرادی میسر می شود که توانمندی درک چارچوب های جدید و همسویی با آن را داشته باشند. امروزه عنصر مدیریت آموزشی از اهرم های توسعه جامعه بشری است. اشتراک دانش و مهارت، توسعه کشورها، خلق ارزش ها، افزایش کارایی، تفاهم بین المللی و تسهیل ارتباطات از مزایای جهانی شدن و شکاف دیجیتال، فرصت های محدود برای بعضی از کشورها، تخریب فرهنگ بومی، افزایش بی عدالتی و ایجاد فرهنگ حاکم از معایب آن است. تئوری هایی از جمله تئوری درخت، کریستال، قفس پرنده، دان، فارچ و آمیب با اشکال متفاوتی از جهت گیری محلی و وابستگی جهانی ارائه شده است که هر یک، نقاط قوت و محدودیت های خاص خود را داشته، کاربرد آن در طراحی برنامه درسی و جهانی شدن آموزش متفاوت می باشد. دیوان سالاری، بی ثباتی مدیریت، تمرکز، بی توجهی به آموزش های ضمن خدمت و کیفیت از موانع جهانی شدن آموزش و پرورش است برای رفع این موانع توجه به چشم اندازهایی مانند مدیریت مشارکتی، مدیریت کیفیت، مدرسه محوری، مدارس مجازی، مدارس هوشمند، سازمان یادگیرنده و آموزش جهانی، محلی و فردی، نگرش سیستمی و مدیریت تغییر ضروری به نظر می رسد. در این راستا عناصر کلیدی تغییر نظام آموزشی و بصیرت های مدیریت آموزشی باید مورد توجه قرار گیرد.

### واژگان کلیدی

جهانی شدن، محلی شدن، جهانی شدن آموزش، مزایا و معایب جهانی شدن، موانع جهانی شدن،

### مقدمه

ورود جهان به هزاره سوم و آغاز عصر اطلاعات<sup>۱</sup> پدیده آورنده مناسبات جدیدی در عرصه حیات اجتماعی است که همراهی با آن در گرو آموزش و تربیت افرادی میسر می شود که توانمندی درک چهارچوب های جدید و امکان همسویی با آن را داشته باشند. از این رو در دنیای کنونی دستیابی به فن آوری و بومی سازی آن از یک سو و سرمایه گذاری هدفمند در آموزش عمومی و فرهنگ سازی دو رکن اساسی توسعه پایدار محسوب می شوند.

آموزش و پرورش به دلیل زمینه سازی برای تربیت متخصصان و کاربران فن آوری از یک سو و نیز به عنوان یکی از متاثران اصلی از فن آوری اطلاعات<sup>۲</sup> در فرآیند تربیت فراگیر، دارای اهمیت بیشتری نسبت به عامل دیگر می باشند. (نیازی آذری ۱۳۸۱، ص ۲۰۰)

لازمه ماندگاری و دوام و بقا انسان ها در عرصه تحولات پرشتاب در مراکز آموزشی بیشتر از سایر سازمان ها بوده، بدین ترتیب مدارس باید عادت ها و رویه ها را محک مجدد بزنند و با دیده نقادی به راهیابی بهتر در همه زمینه ها بپردازند. در شرایطی که در جهان مدیریت بدون مرز مطرح است و در صحنه های جهانی به آن پدیده جهانی شدن<sup>۳</sup> می گویند سازمان ها به ویژه سازمانهای آموزشی لازم است بر حوزه استحفاظی خویش بیندیشند و هرچه تأثیر عوامل محیطی بر سازمان ها بیشتر می شود، تصمیم های آموزشی بار استراتژیکی پیدا می کنند.

هزاره سوم یادگیری بر چهارستون اصلی یعنی یادگیری چگونه دانستن، چگونه انجام دادن، چگونه با دیگران زیستن و چگونه شدن استوار است و به بیان دیگر امروز رهبران آموزشی باید پاسخگوی سؤالاتی مانند چه چیز را بیاموزیم؟ چگونه بیاموزیم؟ چرا بیاموزیم؟ و تأکید بر خود قضاوتی و خود کنترلی باشند و یادگیری را چنان نهادینه نمایند که حاصل آن انسان های توسعه یافته ای باشد که منجر به نوآوری و نواندیشی در جامعه شوند (شهرکی پور و بنی سی، ۱۳۸۳، ص ۹-۱۱).

امروزه در هر جامعه ای و با هر نگرشی، عنصر مدیریت آموزشی یکی از اهرم های توسعه جامعه بشری است. مدیریتی که برای خود صاحب تئوری بوده و بینش و بصیرت داشته باشد. زیرا برای تحقق هر جامعه باید به مهم ترین بخش سازمانی و مفر توفنده یعنی مدیریت و قلب تپنده آن یعنی ابزارهای مدیریت توجهی ویژه داشت، تا زمانی که مدیریت های ما مغزهای توفنده و قلب های تپنده نداشته باشند و مسلح و مجهز به بصیرت ها و تئوریها نباشند نخواهند توانست به اهداف خود برسند (حیدری و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴).

### جهانی شدن و مزایا و معایب آن

جهانی شدن درک متقابل و تفاهم سازگار به منظور ایجاد ارتباط منطقی و اثربخش است که به تعامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و زیست محیطی صرف نظر از نژاد، جنس، آیین و قومیت های گوناگون منتهی شود (کریمی پور، ۱۳۸۲، ص ۳۹). در مورد جهانی شدن سه دیدگاه وجود دارد:

- 1-The information age
- 2- Information technology
- 3 -Globalization

- ۱- پژوهشگرانی که جهانی شدن را مخاطره ای هولناک برای آینده جامعه بشری ارزیابی می کنند. این گروه نتیجه جهانی شدن را غربی کردن، یکسانی فرهنگی، از بین رفتن ممیزه های فرهنگی، فتح گسترده جوامع گوناگون به وسیله یک فرهنگ خاص می دانند. معتقدند جهانی شدن موجب نشر شکاف های اجتماعی می شود. فقر در کشورهای پیرامونی بیش از پیش افزایش پیدا خواهد کرد و این فقر به بهای افزایش امکانات، فرصت ها و غنی تر شدن سلطه کشورهای مرکزی است. در واقع این افراد بحث جهانی شدن را در قالب رابطه مرکز پیرامون می بینند و این رابطه ظالم و مظلوم است. داراها (کشورها و افراد) در این فرایند دارا تر و نداراها، ندارتر می شوند.
  - ۲- دیدگاه دوم، نتیجه این روند را به مثابه یک مدینه فاضله تلقی می کند که در سایه آن همگرایی، بهره مندی اقتصادی، خلاصی از نظام های غیر دموکراتیک و جامعه مدنی بین المللی و دموکراسی جهانی ایجاد می شود.
  - ۳- دیدگاه سوم متعلق به کسانی است که هم امکانات و هم آسیب های جهانی شدن را می بینند (مقصودی، ۱۳۷۹).
- مزایای جهانی شدن عبارت است از:
- سهیم شدن در دانش، مهارت ها و دارائی های فکری جهانی برای توسعه چند جانبه در سطوح مختلف
  - حمایت متقابل، مکمل و سودمند جهت ایجاد سینرژی در توسعه کشورها، جوامع و افراد
  - خلق ارزش ها و افزایش کارایی از طریق سهیم شدن جهانی و حمایت متقابل از نیاز های محلی و رشد
  - تفاهم بین المللی، همکاری، هماهنگی و پذیرش تنوع فرهنگی بین کشورها و مذاهب
  - تسهیل ارتباطات و تعاملات چندجانبه و تشویق مشارکت چند فرهنگی در سطوح مختلف بین کشورها
- معایب جهانی شدن عبارتند از:
- افزایش شکاف تکنولوژیکی و تقسیمات دیجیتال بین کشورهای پیشرفته و کشورهای کمتر توسعه یافته و ایجاد مانع در دسترسی به فرصت های مساوی جهت سهیم شدن منصفانه جهانی
  - ایجاد فرصت های محدودتر برای کشورهای کمتر توسعه یافته که مستعمره سیاسی و اقتصادی سایر کشورها هستند.
  - بهره برداری منابع محلی و تخریب فرهنگ بومی کشور های توسعه نیافته به نفع چند کشور پیشرفته
  - افزایش بی عدالتی و تضاد بین مناطق و فرهنگ ها
  - ایجاد فرهنگ های حاکم و تسلط ارزش های بعضی از مناطق پیشرفته و افزایش پیوندهای فرهنگی از مناطق پیشرفته به مناطق کمتر توسعه یافته (چنگ، ۲۰۰۴، ص ۸).

### جهانی شدن و تأثیر آن در آموزش

در عصر کنونی به جای یادگیری اندیشه ها باید به یادگیری اندیشیدن پرداخت. به جای در انتظار آینده بودن به ساختن آینده همت گماشت. انسان پیشرو قرن بیست و یکم، انسانی است که بتواند سازگاری با ناسازه های زمانه را در خود پرورش دهد. انسان هزاره سوم شهروند فرا ملی و فرا مرزی و فرا ساختاری و البته با تکیه بر سنت ها و ارزش های ملی خود است.

رسالت پرورش انسان هوشمند و هوشیار و خردورز، انسانی که بتواند در کشاکش بحران ها و چالش های توفنده و فزاینده جهان کنونی، هویت، ثبات و پویایی و یکپارچگی خود را حفظ کند بر عهده آموزش و پرورش است و نظام تربیت برای تحقق چنین اهدافی نیازمند نوآوری است. در عصر کنونی آموزش و پرورش نیازمند رنسانس آموزشی است. محصول نظام آموزش و پرورش بدون نظریه، طرح و نقشه، شخصیت های گلخانه ای و مونتاژ شده است. در عصر جهانی شدن، تعلیم و تربیت باید به سوی جهانی شدن حرکت کند، بدون این که یدک کس و تلقین پذیر باشد. آموزش و پرورش باید لباس جدیدی برتن کرده و انسانهای پاسخگو تربیت کند (حیدری و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۱۴۴-۱۴۲).

بسیاری از افراد معتقدند که آموزش و پرورش از عوامل کلیدی است که می تواند در فرایند اجتناب ناپذیر جهانی شدن، تأثیرات منفی آن را به تأثیرات مثبت و تهدیدات را به فرصتی برای توسعه افراد و جوامع محلی تبدیل نماید. بر اساس تجربه گذشته کشورهای آسیایی در برابر کشورهای غربی برای مفهومی کردن دانش محلی و توسعه انسانی به ویژه از طریق آموزش و پرورش جهانی تئوری هایی پیشنهاد گردیده است. کشورها و جوامع با توجه به شرایط و ویژگیهای خود می توانند از آنها به عنوان مدل هایی برای سیاستگذاری، آموزش و تحقیق استفاده کنند. تئوری های آمیب و قارچ حداقل جهت گیری محلی و بیشترین وابستگی جهانی را دارند در مقایسه تئوری های درخت، کریستال و قفس پرنده بیشترین جهت گیری محلی و کمترین وابستگی جهانی را دارند. تئوری دان.ا<sup>۱</sup> بین دو گروه تئوری ها قرار می گیرد.

تئوری درخت : این تئوری بر این فرض قرار دارد که فرایند ترویج دانش محلی باید ریشه در ارزش های محلی و سنت ها داشته و منابع مفید و مربوط بیرونی را از سیستم دانش جهانی جهت توسعه دانش محلی جذب نماید. بنابراین ترویج دانش محلی در آموزش و پرورش جهانی، به هویت محلی و ریشه های فرهنگی نیاز دارد و طراحی برنامه درسی باید براساس ارزش های محلی و دارائی های فرهنگی با جذب دانش و تکنولوژی جهانی مناسب برای حمایت جوامع محلی و افراد به عنوان شهروندان محلی صورت گیرد. انتخاب دانش جهانی در آموزش عمدتاً به نیازهای جوامع محلی و ترجیحات فرهنگی بستگی دارد. نتایج آموزش مورد انتظار فرد محلی با نگرش جهانی که محلی عمل می کند و جهانی توسعه می دهد. نقطه قوت این تئوری این است که جوامع محلی ارزش های سنتی و هویت فرهنگی خود را حفظ کرده و دانش محلی را همزمان با رشد و تعامل با درونداد منابع و نیروی خارجی جمع آوری نمایند. محدودیت این تئوری این است که در صورت ضعیف بودن ریشه های فرهنگی رشد، افراد و جوامع محلی بسیار محدود و آسیب پذیر خواهد شد. تبدیل دانش جهانی به دانش محلی ممکن است بسیار انتخابی و محدود به تعصبات فرهنگی شود و بدون تغییر فرهنگی، توسعه و رشد عمدتاً تغییرات تکنیکی کوتاه مدت باشد.

تئوری کریستال : کلید این فرایند داشتن هسته های محلی برای تبلور و انباشتن دانش جهانی به شکل محلی معین است ترویج دانش محلی به وسیله تجمع دانش جهانی در اطراف هسته های محلی صورت می گیرد. در طراحی برنامه درسی و آموزش، شناسایی نیازهای محلی هسته مرکزی و ارزش ها به عنوان بذرها، بنیادی تجمع دانش و منابع مرتبط برای آموزش و پرورش است در گردآوری خرد و دانش جهانی، درک ساختار دانش محلی برای دانش آموزان ضروری می باشد. نتایج آموزشی مورد انتظار فرد محلی است با کمی دانش جهانی که محلی باقی می ماند و تفکر و عملکرد محلی با فنون جهانی دارد از نقاط قوت این تئوری این است که تضاد بین نیازهای محلی و دانش جهانی گردآوری شده وجود ندارد. شناسایی نیازهای جوامع از درون دادهای جهانی بسیار آسان است و از جهانی شدن کامل جلوگیری می کند. اما پیدا کردن مجموعه ای از هسته ها و ارزش های محلی مناسب که خرد و دانش جهانی را متبلور و محلی سازد مشکل است و ممکن است که ماهیت اصلی هسته های محلی متبلور شوند و کمکی به رشد دانش جهانی و جوامع نمی کند .

تئوری قفس پرنده : فرایندی است که در برابر جریان منابع و دانش جهانی باز عمل کرده اما توسعه محلی و تعامل با جهان بیرون در چارچوب ثابتی محدود می شود. ترویج دانش محلی در آموزش و پرورش جهانی به چارچوب محلی برای محافظت و فیلتر کردن نیاز مند است. در طراحی برنامه درسی تنظیم چارچوب محلی با مرزبندی های ایدئولوژیک روشن و هنجارهای اجتماعی ضروری است. همچنین کلیه فعالیت های آموزشی تمرکز محلی داشته و از قرار گرفتن در جریان دانش جهان گستر و درون دادها بهره می برند. علائق و مسائل محلی باید هسته مرکزی آموزش باشد. نتایج آموزشی مورد انتظار فرد محلی است با نگرش محدود جهانی که با دانش فیلتر شده جهانی، محلی عمل می کند. از نقاط قوت این تئوری این است که چارچوب به تأمین ارتباط محلی در آموزش و پرورش جهانی و اجتناب از هر گونه از دست دادن هویت و علائق در خلال جهانی شدن کمک می نماید و علائق محلی را از فرا جهانی شدن محافظت می نماید. اما ساختن محدودیت های اجتماعی یا فرهنگی مناسب برای فیلتر کردن تأثیرات جهانی و تأمین ارتباط محلی مشکل است و این محدودیت ها ممکن است بقدری محدود کننده و بسته باشند که تعامل ضروری با دنیای بیرون را متوقف و رشد دانش محلی را محدود نمایند.

تئوری دان.ا.ا : روش کار در این تئوری شناسایی و پیوند عناصر کلیدی بهتر دانش جهانی و جایگزینی آنها با عناصر محلی ضعیف موجود در توسعه محلی است. در طراحی برنامه درسی بهترین عناصر دانش محلی و جهانی انتخاب می گردد. برای آموزش، درک عناصر قوی و ضعیف دانش محلی و جهانی ضروری است و دانش آموزان برای پیوند عناصر با بافت محلی تشویق می شوند که باز عمل نمایند. نتایج آموزشی مورد انتظار فردی با خصوصیات ترکیبی جهانی و محلی است که عملکرد و تفکری با ترکیب دانش جهانی و محلی دارد. از نکات مثبت این تئوری باز عمل کردن جهت هر گونه سرمایه گذاری منطقی و پیوند با عناصر دانش معتبر بدون هیچ مانع محلی یا فشار فرهنگی است که روش کارآمدی برای یادگیری و بهبود عملکردهای محلی و توسعه به نظر می رسد. محدودیت این تئوری این است که شناسایی عوامل ضعف و قوت اجتماعی و فرهنگی ممکن است صحیح صورت نگرفته و بقدری مکانیکی باشد که پیوند و جایگزینی به سادگی و بدون هیچ مقاومت فرهنگی و تأثیر اجتماعی منفی در توسعه افراد و جوامع محلی در نظر گرفته شود.

تئوری قارچ : فرایند هضم نوع معینی از دانش جهانی برای تغذیه توسعه محلی و فردی است. برای ترویج دانش محلی محلی، هضم و درک مقداری از دانش جهانی و تبدیل آن به خوراک محلی جهت توسعه جوامع محلی و افراد صورت می گیرد. هدف از برنامه درسی و آموزش توانمند سازی دانش آموزان در شناسایی و یادگیری دانش جهانی ارزشمند و ضروری برای توسعه است و در طراحی فعالیت های آموزشی باید دانش جهانی پیچیده در اشکال مناسب جهت تغذیه افراد و رشد آنها هضم و درک شود. نتایج آموزشی مورد انتظار فردی مجهز به نوع خاصی از دانش جهانی است که عمل و تفکر وابسته به دانش جهانی مربوطه دارد. از نقاط قوت این تئوری این است که هضم و جذب عناصر مفید دانش جهانی، از تولید دانش محلی از ابتدا ساده تر است و ریشه های رشد و توسعه به جای فرهنگ و ارزش های محلی برپایه دانش جهانی است. محدودیت آن این است که روش کار عمدتاً هضم و جذب دانش بیرونی است که کمکی به رشد دانش و منابع جهانی بوده و بسیار محدود است. هویت محلی روشن و مبنایی برای رشد وجود ندارد و وابسته به دانش و منابع بیرونی است.

تئوری آمیب : فرایند استفاده کامل از دانش جهانی با کمترین محدودیت محلی است. ترویج دانش محلی با استفاده کامل و گردآوری دانش جهانی در زمینه محلی صورت می گیرد. برنامه درسی شامل طیف وسیعی از چشم اندازها و دانش جهانی است. کسب نگرش بین المللی وسیع و کاربرد دانش جهانی، به طور محلی و جهانی در آموزش و پرورش اهمیت بسیار دارد. فشارهای فرهنگی و ارزش های محلی در طراحی برنامه درسی و آموزش برای باز عمل کردن دانش آموزان به حداقل می رسد. نتایج مورد انتظار آموزشی فردی است باز و منعطف بدون هیچ هویت محلی که عمل و تفکر جهانی و انعطاف پذیر دارد. از نقاط قوت این تئوری این است که در برابر اشاعه جهانی باز و منعطف است. حداقل ویژگی فرهنگی و محلی را در گردآوری دانش و منابع جهانی داشته و برای توسعه افراد و جوامع محلی فرصت زیادی در بهره مندی از تجربیات پیشرفته نقاط مختلف دنیا دارد. نقطه ضعف آن از دست دادن هویت فرهنگی و اقتدار اجتماعی جامعه محلی در جریان جهانی شدن خردکننده است.

تئوری های ذکر شده تأکیدات متفاوتی بر وابستگی جهانی و جهت گیری محلی دارند بنابراین خصوصیات خاص خود، قوت ها و محدودیت هایی در مفهومی کردن و مدیریت فرایندهای ترویج دانش محلی و توسعه انسانی دارند. کاربردشان در طراحی برنامه درسی و آموزش و نتایج مورد انتظار آموزشی آنها در جهانی شدن آموزش و پرورش به طور قابل ملاحظه ای متفاوت است. تئوری های درخت، کریستال، قفس پرنده، د.ان.ا، قارچ و آمیب رویکردهای متفاوتی را مانند ریشه های فرهنگی برای رشد، هسته های محلی برای تبلور، محدودیت های ایدئولوژیکی برای حفاظت و فیلتر کردن، جایگزینی عناصر ضعیف، هضم و جذب دانش جهانی و گشودگی کامل دانش جهانی محلی شده در فرایندهای جهانی شدن آموزش و پرورش فراهم می کنند. هر کشور یا جامعه محلی بافت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی منحصر به فردی داشته، بنابراین تمایل به استفاده از یک تئوری یا ترکیبی از تئوری ها در آموزش جهانی دارد که ممکن است با دیگران متفاوت باشد. این مدل ها طیف وسیعی از گزینه ها را برای سیاستگذاران و معلمان در مفهومی کردن فرموله کردن راهبردها و اعمال در ترویج دانش محلی و منابع انسانی برای توسعه محلی فراهم می نماید. رابطه بین محلی شدن و جهانی شدن در آموزش و پرورش پویا و تعاملی است. جهانی شدن محلی شده در آموزش و پرورش می تواند ارزش های بیشتری برای توسعه محلی به وجود آورد در صورتی که خلاقیت محلی و تطابق در فرایند تغییرات عملکردی و فرهنگی به کار گرفته شود. اشکال مختلف محلی شدن و جهانی شدن در آموزش و پرورش عبارتند از:

- ۱- کاملاً منزوی شده
- ۲- کاملاً جهانی شده
- ۳- کاملاً محلی شده
- ۴- به میزان زیادی محلی و جهانی

(چنگ، ۲۰۰۴، ص ۸-۲۳).

### **موانع جهانی شدن آموزش و پرورش**

#### **الف) نظام متمرکز آموزشی**

نظامهای آموزشی متمرکز علاوه بر اینکه فرایند توسعه و جهانی شدن را تسهیل نمی کنند، با رسالت آموزش و پرورش نیز در تضادند، زیرا مسئولان چنین نظام هایی خلاقیت و نوآوری را ارج نمی نهند و به تفاوت های فردی دانش آموزان نیز توجه نمی کنند.

#### **ب) دیوان سالاری**

نظریه نظام آموزشی مبتنی بر دیوان سالاری و بوروکراسی، یک نظام آموزشی خلاق و پویا نباشد و استعدادها بالقوه دانش آموزان را شکوفا نسازد، زیرا چنین نظامی همه فراگیران را با مقررات و قوانین ثابت آموزشی و اداری تطبیق می دهد و از رشد و خلاقیت و ابتکار آنها جلوگیری می کند.

#### **ج) بی ثباتی در مدیریت**

یکی از موانع مهم در راه جهانی شدن آموزش و پرورش ما، بی ثباتی در مدیریت است زیرا انتصاب مدیران آموزشی از وزیر گرفته تا مدیر، تابع نوسان های سیاسی سیاسی جامعه است و به همین دلیل دوره مدیریت آنان بسیار کوتاه است و این امر با برنامه ریزی آموزشی که ماهیتی دراز مدت دارد، سخت در تضاد است.

#### **د) بی توجهی به آموزش های ضمن خدمت**

در هر سازمانی، آموزش نیروی انسانی از لوازم توسعه پایدار است. همگام شدن با پیشرفتهای جهانی آموزش و پرورش منوط به آموزش مستمر نیروی انسانی این سازمان اجتماعی است.

#### **و) بی توجهی به کیفیت و اثر بخشی**

نظام های آموزشی که در برنامه ریزی های خود فقط به کمیت توجه کنند و از کیفیت و اثر بخشی غافل بمانند، نه تنها به اهداف واقعی خود نخواهند رسید، بلکه از قافله توسعه جهانی شدن نیز عقب خواهند ماند. (تصدیقی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹-۱۵۶).

#### **چشم اندازهای مدیریت آموزشی در راه جهانی شدن**

برای رفع موانع جهانی شدن نظام آموزشی توجه به چشم اندازهایی مانند مدیریت مشارکتی، مدیریت کیفیت، مدرسه محوری، مدارس مجازی<sup>۱</sup> و مدارس هوشمند<sup>۲</sup>، سازمان یادگیرنده<sup>۱</sup> آموزش جهانی محلی و فردی، نگرش سیستمی، مدیریت تغییر... ضروری به نظر می رسد.

1- Virtual school

2- Smart school

## مدیریت مشارکتی

در دنیای امروزه گذر به شیوه مشارکتی اداره امور در محیط کار ، ضروری و اجتناب ناپذیر است . زیرا ظرفیت برای مشارکت گسترش یافته است و مسائل روبروی ما در محیط کار ، بسیار پیچیده تر و به هم بسته تر از آن است که تنها تعداد معدودی از مسئولان بتوانند آن را حل کنند. بنابراین، در زمینه جهانی شدن آموزش و پرورش ، گرایش به مدیریت مشارکتی در نظام آموزشی ، اهمیت ویژه ای دارد.(تصدیقی ، ۱۳۸۳ ، ص ۱۶۰).

## مدرسه محوری

مدیریت مدرسه محور عبارت است از؛ تمرکز زدایی پایدار ، مستمر و تدریجی در نظام آموزشی و انتقال اقتدار تصمیم گیری در ابعاد مختلف کارکردهای عملیاتی به مدرسه است . هدف اصلی مدیریت مدرسه محور ، بهبود عملکرد مدرسه و ارتقای کیفیت آموزشی به منظور افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است ( خورشیدی ، ۱۳۸۲ ، ص ۳۴۰ ) .

## مدیریت کیفیت

مدیریت کیفیت در آموزش و پرورش از دیگر مقوله هایی است که با تأکید بر خلاقیت و ابتکار ، سبب حرکت نظامهای آموزشی به سوی جهانی شدن می شود . ارزشیابی مستمر از فعالیت ها به صورت بازخورد ، دستیابی به این کیفیت را سرعت می بخشد . باتوجه به این نکته فن آوری ارتباطات ، نظام اقتصاد ملی را به نظام اقتصاد جهانی مربوط کرده است ، ملل و مشاغلی که مطابق مدیریت کیفیت جامع عمل نکنند، به سرعت در سطح جهانی از عرصه رقابت خارج می شوند.

## مدارس مجازی

رشد روز افزون فن آوری اطلاعات و پیدایش چارچوب جدیدی موسوم به جامعه اطلاعاتی در حیات جوامع انسانی تأثیر شگرفی بر وجوه مختلف آموزشی و تعلیم و تربیت دارد که به کارگیری این ابزار جدید راهکارهای نوینی را در بهبود و توسعه نظام آموزشی ارائه می نماید. دیدگاه جدید کلاس های مجازی یکی از اصیل ترین راهکارهای دستیابی به اهداف آموزشی کشور و هموردی با قافله شتابان فن آوری است . مهمترین مزایایی این دیدگاه عبارت است از:

۱. کارآمد نمودن نظام آموزشی و حرکت به سمت محیط های آموزشی پویا
۲. فائق آمدن بر مشکلات ناشی از کمبود بودجه
۳. دموکراتیزه کردن نظام آموزشی
۴. توسعه عدالت آموزشی
۵. تربیت نیروهای متخصص ، کاربر و کارور در زمینه فن آوری اطلاعات
۶. وسعت بخشیدن به عرصه نظارتی معلم به خارج از چارچوب های معمول
۷. مادام العمر شدن آموزش
۸. کاهش آثار مخرب زیست محیطی ( نیاز آذری ، ۱۳۸۱ ، ص ۲۱۸-۲۰۱ ) .

مدیران مدارس ، با بهره گیری از اطلاعات به روز شده ، می توانند با اتخاذ و اجرا سیاست های کاربردی و علمی متناسب با شرایط و امکانات و تحولات حیطه کاری خود کرده و با استفاده از اطلاعات پردازش شده ، در دسترس ، به نیازمندی های مختلف واحد آموزشی تحت پوشش ، از قبیل برنامه ریزی کنترل ، تأمین منابع ، کیفیت بخشی و... پاسخ داده و به بهینه سازی روشهای کاری و افزایش راندمان برنامه های مدارس بپردازند . ضرورت آشنایی مدیران با توانایی های مختلف فن آوری اطلاعات و چگونگی بهره برداری از این توانایی ها به منظور ایجاد بازدهی بالاتر در محیط کاری خود تنها از طریق آموزش حاصل می شود .

نظام مدیریت آموزش کشور باید درصدد کارآمدتر کردن سیستم و حرکت به سوی محیط های آموزشی پویا و مجازی نماید و به تربیت نیروهای متخصص کاربر در زمینه فن آوری اطلاعات پرداخته و فرهنگ اطلاعات باشد ( نیاز آذری ، ۱۳۸۱ ، ص ۳۸۰-۳۷۸ ) .

## مدارس هوشمند

به مدرسه اطلاق می شود که خصوصیت رودرو و همچنین فعالیت های راه دور را یکجا با هم دارد . بدین صورت که دانش آموزان پس از حضور در کلاس درس، ادامه فعالیت های کلاسی را با گذراندن وقت خود در کتابخانه های مجازی ، سایت های اطلاع رسانی و بانک های اطلاعاتی پیگیری می نمایند ( نیاز آذری ، ۱۳۸۱ ، ص ۳۴۴).

## سازمان یادگیرنده

برای کامیابی در قرن بیست و یکم ،مدارس باید سازمان هایی سازگار با قابلیت یادگیری،رشد وتغییر مداوم شوند.امروزه حجم غیرقابل باوری از اطلاعات برای کمک به بهبود و اصلاح کار مربیان در کلیه جنبه های برنامه درسی ،آموزش،مدیریت و روابط جامعه و والدین در دسترس است.بسیاری از این اطلاعات در گذشته نیز در دسترس بوده ،اما تکنولوژی به طور اساسی مدیریت اطلاعات را تغییر داده است .سازمان های یادگیرنده موفق بطور مداوم در حال جمع آوری ،تجزیه و تحلیل و یادگیری از داده ها و خوداصلاحی براساس زمینه های که آموخته اند می باشند. این داده ها را ازمنبع گوناگون تولید و جمع آوری کرده و آنها را برای جستجوی داده های بیشتر به کار می گیرند.سازمان های یادگیرنده با مطالعه

شیوه های ابتکاری، دائماً هزینه فایده این تغییرات را امتحان می کنند و این فاکتورها را در برابر نتایج عملکرد دانش آموزان در سنجش های داخلی و خارجی می سنجند. مدارس فهمیده اند که فن آوری تنها ابزاری است که، اشتراك دانش سازمانی، بهبود تصمیم گیری، تفکر اثر بخش و یادگیری کارآمدتر را تسهیل می کند(کاستا و کالیک، ۲۰۰۰).

### آموزش جهانی، محلی و فردی

چگونگی پاسخگویی به روندها و چالش های جهانی شدن به مسأله اصلی سیاستگذاری تبدیل شده است. در بحث اصلاحات آموزشی، افراد بر اهمیت و تأثیر جهانی شدن در آینده نسل بعد و جامعه خود تأکید می کنند و سعی در تطبیق نظام آموزشی، برنامه درسی و پداگوژی برای پاسخگویی به تقاضا و چالش های جهانی شدن دارند و متأسفانه ضرورت و اهمیت محلی شدن و فردی شدن را نادیده می گیرند. بدون محلی شدن آموزش و پرورش، قادر به برآورده کردن نیازهای محلی، حمایت جوامع و افزایش سطح ابتکارات و انگیزش نبوده و بدون فردی شدن آموزش و پرورش، کلیه تلاش ها برای اصلاحات، قادر به برآوردن نیازهای دانش آموزان و معلمان و انگیزش آنها برای اثربخشی بهتر در فرایند یاددهی-یادگیری نمی باشند. بنابراین، جهانی شدن، محلی شدن و فردی شدن عناصر ضروری اصلاحات آموزشی جاری هستند. بطور سنتی هدف برنامه درسی کسب مهارت لازم برای بقاء جامعه محلی یا برآورده کردن نیازهای نیروی انسانی جامعه در توسعه اجتماعی و اقتصادی بود اما با پارادایم سه گانه، هدف از برنامه درسی جدید پیشرفت دانش آموزان به عنوان شهروندانی با هوش های چندگانه، خود یادگیری مادام العمر سه گانه در یک دهکده جهانی با توسعه چند جانبه در ابعاد تکنولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، یادگیری و فرهنگی است. در هزاره جدید دنیا به سوی جهانی شدن چندجانبه تکنولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، یادگیری و فرهنگی حرکت کرده و دهکده جهانی با مرزهای تعاملی بین کشورها و مناطق به وجود آمده است. نسل جدید باید افرادی با هوش های چند گانه برای پاسخگویی به تغییرات سریع در دهکده جهانی بوده و یادگیری، آموزش و تحصیل جهانی، محلی و فردی باشد (چنگ، ۲۰۰۰).

### نگرش سیستمی

لازم است که مدیران وضعیت جهان را با نگرش سیستمی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و از تفکر تک بعدی و یک جانبه بپرهیزند. نگرش سیستمی به مدیر کمک می کند تا هر چیزی را در ارتباط با سایر چیزها ببیند و تبعات تصمیمات خود را به گونه ای سیستمی تجزیه و تحلیل کرده و به دنبال کشف مناسب ترین راه برای کار در موقعیت های پیچیده و متنوع باشد(زاهدی، ۱۳۸۲، ص ۳۰).

### عناصر کلیدی تغییر و پیشرفت نظام آموزشی

۱. بصیرت: برای تغییر در یک نظام باید مراحل ضعف و قدرت مشخص شوند و زمینه حمایت از بصیرت جدید فراهم شود.
۲. حمایت عمومی و سیاسی: همانطوری که بصیرت توسعه می یابد و به عمل منتهی می شود. حمایت عمومی مردم و رهبری سیاسی در تمام سطوح از سیستم، فهم عمیقی نسبت به آن چه باید تغییر کند و چرایی تغییرات ایجاد می کند.
۳. شبکه گذاری: ساخت شبکه هایی برای مطالعه، آزمایش و حمایت بصیرت های جدید نظام آموزشی در ایجاد تغییرات نظام مند ضروری است.
۴. تغییرات یادگیری و یاددهی: اگر تغییرات در یادگیری و یاددهی رخ ندهد، تغییرات دیگر نیز، از ارزش کمی برخوردار خواهد شد.
۵. نقش ها و مسئولیت های مدیریتی: برای ایجاد تغییر در یک کلاس درس، نقش ها و مسئولیت های اداری، مدیریتی در سطوح مدارس، منطقه و کشور از قالب سلسله مراتب کنترل به نقش حمایتی و تصمیمات مشارکتی تفاوت خواهد کرد.
۶. همسویی سیاست گذاری: همسویی در سیاست گذاری بصیرت و عمل نظام جدید در سطوح ملی و منطقه ای مورد نیاز است به ویژه در چارچوب برنامه ریزی درسی، مواد و روش های آموزشی، سنجش و ارزیابی دانش آموزان، تخصیص منابع و در برگرفتن همه دانش آموزان همسویی سیاستگذاری ضروری است. ایجاد تغییرات همزمان در این عناصر نیازمند برنامه ریزی آگاهانه است (حیدری و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۱۴۱-۱۴۰).

آموزش و پرورش بزرگ ترین دستگاه اداری و تشکیلاتی کشور محسوب می شود. بیشترین سطوح مدیریتی را در محیط های متراکم انسانی در خود جای داده است؛ اما به دلیل غفلت از امر توسعه مدیریت توانسته به گونه ای ریشه ای، نظام مند و راهبردی در جهت تربیت مدیرانی با درجه هوشمندی و استعداد سطح بالا در عرصه اندیشه و تفکر، تلاش و ارتباط مؤثر اهتمام ورزد و از این طریق ظرفیت فزاینده ای را ایجاد نماید. این امر در حالی است که در پیشینه نظری موضوع توسعه مدیریت، در دنیای کنونی پیشرفت های چشمگیری صورت پذیرفته و موضوع توسعه مدیریت با جهت گیری راهبردی از غنی سازی مفهومی برخوردار گشته و ابعاد تخصصی و تبیینی متفاوتی را مورد توجه قرار داده است. روی آوری به سمت کارهای خدماتی و مبتنی بر دانش و تأکید بر سرمایه انسانی نیاز به انواع جدیدی از کارکنان و مدیران را با آگاهی و دانش های ویژه برای پیشبرد امور سازمانها و مدیریت آنها ضروری ساخته است. افزایش سرمایه های انسانی یا فکری و تغییر در حوزه دانش، آموزش، مهارت و قابلیت های نیروی کار نه تنها نیاز به کارکنان مشاغل دفتری و پدی را کاهش می دهد بلکه بزرگ ترین چالش، اتخاذ تدابیر مناسب برای اعمال مدیریتی متفاوت از آن چه پرسنل های گذشته جایز شمرده شده است، می باشد.(عباس پور، ۱۳۸۲، ص ۸-۱۰).

## بصیرت های مدیریت آموزشی در هزاره سوم

۱. **بصیرت قانونی:** مدیران آموزشی ، دانش آموزان ، معلمان و کارکنان باید قوانین و مقررات و حدود اختیار و مسئولیت خود را بدانند و این فقط از طریق بصیرت قانونی امکان پذیر است.
۲. **بصیرت مهارتی:** مهارت هایی که به اندازه کافی تمرین نشده اند به زودی فراموش می شوند و منجر به تخصص زدایی می گردد. بنابراین باید در برنامه های درسی آموخته شود که عمیقاً دانش آموز را با تفکر انتقادی، حل مسأله، قدرت تصمیم گیری ، چگونگی ارتباط مؤثر ، مهارت های بین فردی ، شیوه خود مدیریت، همدردی با دیگران ، چگونگی مقابله با مسائل عاطفی و انواع استرس و چگونگی برنامه ریزی شغلی آشنا گردیده و در آنها نهادینه گردد.
۳. **بصیرت پژوهشی:** آموزش در بستر پژوهش پایدار و مفید است . در این فرآیند برای دانش آموزان فرصت فراهم گردد تا به کمک معلمان با فرایند پژوهش و مهارت های آن آشنا شوند.
۴. **بصیرت تکنولوژی:** مدیران باید دانش آموزان را با تکنولوژی جدید آشنا ساخته و زمینه ورود این فن آوری را برای آنها در کلاس درس فراهم آورند ، بدین ترتیب فاصله بین کلاس درس و دنیای واقعی کم می شود.
۵. **بصیرت تشکیل سمینارها جهت آگاهی فردی:** با توجه به سن دانش آموزان ، در سمینارها و نشست ها آنها را با اهداف مراکز آموزشی ، رشته های تحصیلی، منابع و سرچشمه های علمی ، مراکز مشاوره و ... آشنا کنند.
۶. **بصیرت یادگیری در دنیای واقعی:** پل زدن بین مفاهیم مورد تدریس و دنیای واقعی باید بخشی از برنامه درسی باشد و یا توسط معلمان از طریق غنی سازی محتوا خلاء و شکاف بین درس و دنیای واقعی ترمیم شود
۷. **بصیرت در امر کیفیت تدریس:** تشویق مهارت های کار گروهی ، ایجاد مهارت های خلاقیتی ، انتقادی ، تشخیص حل مسأله ، خود آوازی ، خود قضاوتی و خود راهبری در امر تدریس از محورهای ارتقای کیفیت تدریس است.
۸. **بصیرت چگونگی کاربست وسعت منابع یادگیری:** دانش آموزان را به چگونگی استفاده از منابع اطلاعاتی و علمی آشنا سازند( خورشیدی، ۱۳۸۲ ، ص ۱۲۴-۱۲۳).

## راهبردهای رهبری آموزشی در محیط های آموزشی

۱. مدیران و رهبران آموزشی باید به رشد ابعاد جسمانی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و بوم شناختی دانش آموزان توجه کنند.
۲. جهانی بیندیشند و به هنگام عمل امکانات و محدودیت های محلی را در نظر بگیرند.
۳. در تنظیم و طراحی آموزشی برنامه درسی و مدل یابی با معلمان مدرسه مشارکت کنند.
۴. با مراکز آموزش جهانی نظیر سازمان علمی، تربیتی و فرهنگی ملل متحد یونسکو در زمینه های یاددهی - یادگیری در تماس باشند.
۵. راه های بهتر غلبه بر تفاوت های فردی دانش آموزان در مدرسه و کلاس را دنبال کنند تا زمینه برابری آموزشی در محیط های آموزشی ایجاد شود و پرورش تدریجی فراگیران به سوی کمال شکل گیرد.
۶. با سبک های یادگیری دانش آموزان در کلاس آشنا شده، روش های تدریس معلمان را با سبک های یادگیری دانش آموزان تلفیق کنند.
۷. دانش آموزان را به بررسی و درک تاریخ و فرهنگ کشورهای همجوار تشویق کنند.
۸. دانش آموزان را به بررسی و تجزیه و تحلیل مشی ها، فرایند ها و نو آوری هایی که مدرسه را به پیشرفت سوق می دهد هدایت کنند.
۹. در ارائه برنامه های فرهنگی - اجتماعی ارتباطات میان آموزش و پرورش و نهاد های اجتماعی دیگر، آموزش و پرورش و کار یا حرفه و آموزش و پرورش و شهروند جهانی و اختلاف هایی که در یادگیری آنان نقش دارد بررسی و تجزیه و تحلیل کنند.
۱۰. نقش شبکه های جهانی و فن آوری های اطلاعاتی را در یادگیری دانش آموزان با استفاده از رویکردهای آموزشی اجتماعی ساختار گرایی تبیین کنند.
۱۱. پروژه های تحقیق به مثابه برنامه درسی مشترک تمام رشته های علمی به منظور یادگیری نظیر پروژه های میدانی یادگیری خدمات فعالیت های آموزش را به گونه ای طراحی کنند که اندیشه های محتوایی و فرآیندی با هم تلفیق شود(کرمی پور ، ۱۳۸۲، ص ۴۱-۴۲)

## نتیجه گیری

جهانی شدن فرایندی است که حاکمیت و هویت فرهنگی ملل را در سطوح خرد و کلان تحت تأثیر قرار داده است ، لذا نظام های آموزشی و پرورش نمی توانند خود را جدا یا دور از این فرایند رو به گسترش در نظر بگیرند.

با مطرح شدن کلاسهای درس مجازی ، اینترنت، نظام های آموزشی دیگر در کنار آموزش رسمی نمی توان آنها را نادیده گرفت و صرفاً به مقابله با آنها پرداخت ، بلکه باید با تعیین مأموریت ها ، چشم اندازه ها ، اهداف کلان و خرد ، می بایست از این نظامهای یادگیری مجازی حداکثر بهره برداری ارتقاء سطح کیفی و کمی مهارت های یادگیری و یاددهی ، کسب نمود و این امر مستلزم پویایی نظام آموزشی و توجه مسئولان و مدیران این نظام است ( کدیور و قوام ، ۱۳۸۲ ، ص ۹۵-۹۴ ).  
امروزه جهان به صورت یک کلاس درس در آمده و دانش آموزان از سراسر دنیا می توانند خوراک فکری بگیرند و این وظیفه مدیران و معلمان است که دیوار کلاس و مدرسه را به جامعه وصل کنند.  
پذیرش راه حل های کلیشه ای و بسته دیگر جایگاهی ندارد و باید طرحی نو در انداخت . در این راستا اقدامات زیر ضروری به نظر می رسد.

۱. گسترش فرهنگ مشارکت و مدیریت مشارکتی در مدارس
۲. تحول در اهداف ، ساختار روشها و کلیه اجزاء سیستم آموزشی به نحوی که پاسخگوی تغییرات باشند.
۳. ایجاد زمینه برای نوآوری و خلاقیت معلمان و دانش آموزان
۴. کاهش دیوان سالاری اداری
۵. حرکت به سمت عدم تمرکز و مدرسه محوری
۶. توجه به مدیریت کیفیت در سازمان های آموزشی
۷. حرکت از برنامه روزی به سمت برنامه ریزی و پرهیز از تقدیر گرایی
۸. تبدیل سازمانهای آموزشی به سازمان یادگیرنده
۹. استفاده از فراشناخت در آموزش
۱۰. فراهم نمودن زیر ساخت های لازم برای استفاده از فن آوری های جدید
۱۱. آموزش مسئولین ، مدیران و معلمان

## منابع

- تصدیقی ، محمد علی (۱۳۸۳) موانع و چشم اندازه های آموزش و پرورش در راه جهانی شدن ، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، سال دهم شماره ۳۷-۴۰
- حیدری نفرشی ، غلامحسین ، رضا یوسفی سعید آبادی واسداله خدیوی(۱۳۸۱) نگرشی به نظریات سازمان و مدیریت در جهان امروز ، انتشارات فراشناختی اندیشه ، چاپ اول
- خورشیدی ، عباس(۱۳۸۱) مدیریت و رهبری آموزشی، انتشارات یسطرون، چاپ اول
- زاهدی ، شمس السادات(۱۳۸۲) مدیریت فراملیتی و جهانی نگرش تطبیقی، انتشارات سمت
- شهرکی پور ، حسن و پری ناز بنی سی (۱۳۸۳)نگاهی به مسائل آموزشی در هزاره سوم ، انتشارات فراشناختی اندیشه، چاپ اول
- عباس پور، عباس(۱۳۸۳) توسعه مدیریت ضرورتی اجتناب ناپذیر برای درك چالش ها و پارادایم های نوین آموزش و پرورش، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، سال دهم شماره ۳۷-۴۰

- کدیور، پروین و صغری ابراهیمی قوام(۱۳۸۲) جهانی شدن و تعلیم و تربیت ، پژوهشکده تعلیم و تربیت
- کرمی پور ،محمد رضا(۱۳۸۲) جهانی شدن در مدیریت و رهبری آموزشی ،تکنولوژی آموزشی ، شماره ۱
- مقصودی ،مجتبی ،۱۳۷۹، جهانی شدن ،یکپاچه سازی و یکسان سازی،روزنامه آفتاب یزد ،شماره ۱۲
- نیاز آذری ،کیومرث (۱۳۸۱) رفتار و روابط انسانی در سازمان های آموزشی هزاره سوم،انتشارات فراشناختی اندیشه ،چاپ اول

- Cheng, yin cheong, 2000,A CMI-triplization paradigm for reforming education in new millennium, the internation journal of educational management, vol 14 no 4
- Cheng, yin cheong, 2004,fostering local knowledge and human development in globalization of education , the internation journal of educational management, vol 18 no 1
- Costa, L and Bena Kallick,( 2000 )Integrating and Sustaining Habits of Mind ,www.ASCD.org